

مقدمه ترجمه و شرح نهج البلاغه¹

مقدمه

نهج البلاغه که در فصاحت و بلاغت فی الواقع بی همتاست و از نظر محتوا بر اصول دین اسلام متکی است و بر احکام ضروری این اصول و دلایل این احکام اشاره می کند و با استفاده از قدرت نامحدود علمی موروثی از پیامبر اسلام (ص) به توضیح آنها مبادرت می ورزد، به تشریح مسائل اجتماعی و اقتصادی می پردازد، نگرش انسانی دین اسلام را روشن می سازد؛ هرگونه شک و تردید را از میان برمی دارد و از حوادث تاریخی و دلایل و نتایج آنها سخن به میان می آورد، از جمع آوری خطبه ها، کلمات قصار، وصایا و مکتوبات و وجیزه های امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) به میان آمده است. شریف رضی محمد بن حسین اینها را جمع آوری کرده، به صورت کتاب در آورده و در سه بخش جای داده است. بخش اول خطبه ها و پاره ای کلمات قصار را در بر می گیرد، بخش دوم شامل مکتوبات است و در آخرین بخش وجیزه ها جای گرفته است.

ابوالحسن محمد بن ابی احمد الحسین مشتهر به شریف رضی فرزند احمد حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن امام موسی الکاظم (ع) بن امام جعفر الصادق (ع) بن امام محمد الباقر (ع) بن امام زین العابدین علی (ع) بن امام حسین (ع) بن

1. Hazret-i Emir Alî-i Ebi Talib. Imam Alî buyruğu: Nechül-belega: Hz. Alînin hutbeleri, vasiyyetleri, emirleri, mektupları, hikmet ve vecizeleri, metin terceme eden ve Şerhi hazırlayan Abdülbaki Gölpinarli. İstanbul: Yeni Şark Maarif kütüphanesi, 1972. 4595.

علی بن ابیطالب (ع) است. تبار او از سوی مادرش فاطمه نیز به امام حسین (ع) می‌رسد و بدین ترتیب از طرف پدر و مادر به شرف سیادت نائل آمده است. (عمدة الطالب فی انساب علی ابی طالب، نجف‌الاشرف، ۱۳۳۷ هـ / ۱۹۱۸ م، صص ۱۹۳ - ۲۰۰. محمد عبده: شرح نهج‌البلاغه، بیروت، مؤسسه العالمی، مقدمه محمد عبده، ص ۶). وی که در سال ۳۵۹ هجری (۹۶۹ - ۹۷۰ م) متولد شده بود در اصول و ادبیات به مقام شامخی دست یافت و در سال ۳۸۸ هجری (۹۹۲ م) در بغداد خدمت نقابت شیوخ را عهده‌دار شد. کتاب المتشابه فی القرآن، مجازات الآثار النبویه، تلخیص الیابن عن مجازات القرآن، کتاب الخصائص، اخبار قضات بغداد از آثار اوست. وی علاوه بر کتابی که در احوال پدرش نوشته، سه رساله، منتخباتی از اشعار ابو عبدالله حسین بن احمد حجاج (وفات: ۳۹۱ هـ) و دیوانی نیز دارد. مشهورترین اثر سید رضی نهج‌البلاغه است که از خطبه‌ها، مکتوبات و کلمات قصار حضرت علی (ع) گرد آورده است (عمدة الطالب، صص ۱۹۶ - ۱۹۷). وی روز ششم محرم سال ۴۰۶ هجری (۲۶ ژوئن ۱۰۱۵ م) در بغداد چشم بر جهان بست و در منزل مسکونی خود در کرخ مدفون شد. (حاجی شیخ عبدالله الممقانی، تنقیح المقالات فی احوال الرجال، مطبعة مرتضویه، نجف، ۱۳۵۲ هـ ج ۳، ص ۱۰۷)

سید رضی به هنگام گردآوری خطبه‌ها، مکتوبات و کلمات قصار از منابع متعدد استمداد کرده است. به روایت ابو جعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی (۴۶۰ هـ / ۱۰۷۶ م) زید بن وهب الجوینی از اهالی کوفه اول کسی است که به تحریر خطبه‌های حضرت امیر، که در میان مردم در اعیاد و سایر مناسبت‌ها خوانده می‌شد، دست زد. وی از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین بود و هنگام عزیمت به نهروان نیز در کنار ایشان جای داشت (همان اثر، ج ۱، ۱۳۲۹ هجری شمسی صص ۴۷۲ - ۴۷۷). طوسی این کتاب را از لوت بن یحیی نقل کرده که او از ابومنصور جوهنی، و او نیز از زید بن وهب روایت نموده است. زید خطبه‌های منقول را شخصاً از حضرت امیرالمؤمنین شنیده بود. ابن هاجر می‌نویسد که زید بن وهب در دوره جاهلیت و عصر سعادت زندگی می‌کرده، ولی با حضرت رسول اکرم (ص) دیداری نداشته است. وی که از بزرگان تابعین به شمار می‌آمد در کوفه رحل اقامت افکنده و در سال ۹۶ هجرت دار فانی را وداع گفته بود. با توجه به اینکه زید در دوره پیش از بعثت حضرت پیامبر زنده بود، عمرش متجاوز از یکصد سال

بوده است. اگر تصور کنیم که وی پس از دعوت حضرت رسول اکرم (ص) مدتی به اسلام نگرویده بود، باز قبول باید کرد که بیش از یکصد سال زندگی کرده است. خلاصه کلام زید کوفی اولین کسی است که خطبه‌های حضرت امیر را گردآوری کرده و اثرش تا زمان سید رضی رسیده است. اهل تسنن نیز زید بن وهب را از ثقات می‌شمارند و در صحاح‌ها به روایات وی جای می‌دهند. ابراهیم بن حکم بن زهیر فزاری از دیگر کسانی است که به ضبط خطبه‌های حضرت امیر (ع) دست زده است. وی همان کسی است که تفسیر اسماعیل بن عبدالرحمن السعودی (وفات ۱۲۷ هـ) را روایت کرده است. حکم بن زهیر هرچند شیعه بود، ولی تفسیر وجود ندارد که از اثر او روایتی نکرده باشد. ترمذی نیز در اثر خود به نقل روایت از وی دست زده است. حکم بن زهیر در حوالی سال ۱۸۰ هـ (۷۹۶ م) دار فانی را وداع گفت. از پسر وی ابراهیم نیز کتابی شامل خطبه‌های حضرت امیر (ع) در دست است (تقیح، ج ۱، ص ۱۵). در مورد اسماعیل بن عبدالرحمن بن ابی کریم السعودی نیز به ص ۱۳۷ همین جلد نگاه کنید). یکی دیگر از گردآورندگان خطبه‌های حضرت امیر (ع) اسماعیل بن مهران السکونی است. او در دوره امام جعفر الصادق و امام علی الرضا می‌زیسته است و به خدمت این دو امام مشرف شده بود. وی آثار زیادی نوشته و خطبه‌های حضرت امیر (ع) را جمع‌آوری کرده که علی بن حسن فضال از آن یاد کرده است. (ج ۱، صص ۱۴۵-۱۴۶؛ ج ۲ صص ۲۷۸-۲۸۰).

اسبق بناطی، از بزرگان اصحاب حضرت امیر (ع)، که دوره امام حسین (ع) را نیز درک کرده بود، «عهدنامه» حضرت علی خطاب به مالک اشتر (که از سوی آن حضرت به فرمانداری مصر تعیین شده بود) و وصایایش به محمد الحنفی را نقل کرده است. مکتوبات حضرت علی (ع) خطاب به مصریان که به مالک اشتر فرستاده شده بودند را نیز صعصعه، که در جنگ جمل همراه آن حضرت بوده و از زعمای اصحاب به شمار می‌آمد، نقل کرده است (ج ۱، صص ۱۵۰-۱۵۱؛ ج ۲ صص ۹۸-۹۹).

صالح بن حماد ابوالخیر رازی، که در زمان امام علی النقی الهادی (ع) می‌زیست، نیز کتابی تألیف کرده که شامل خطبه‌های حضرت علی (ع) است (ج ۲، ص ۹۱). یکی دیگر از گردآورندگان خطبه‌ها، عبدالعظیم بن عبدالله بن حسن بن زید بن امام حسن (ع) می‌باشد که او نیز در دوره امام علی النقی در حیات بوده است (ج ۲، صص ۱۵۷-۱۵۸).

افزون بر اینها ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی که در سال ۲۸۳ هجری فوت کرده و از تبار سعد، عموی مختار بن ابی عبید الثقفی بوده (ج ۲، صص ۱۵۶-۱۵۷)؛ عبدالعزیز بن یحیی الجلودی البصری که بعد از سال ۳۳۰ هجری در گذشته و حدود ۲۰۰ کتاب تألیف کرده؛ هشام بن محمد بن صائب که پس از سال ۲۶۰ وفات کرده و دوره امام صادق (ع) را درک کرده، خطبه‌های حضرت علی (ع) را جمع‌آوری کرده‌اند. پدر هشام علاوه بر اینکه روایاتش در همه کتابهای تفسیر جای گرفته، آثار زیادی در تاریخ و انساب دارد. (ج ۳، ص ۳۰۳)

محمد بن خالد که دوره امام علی النقی را درک کرده و پدر احمد مؤلف کتاب محاسن بوده (ج ۳، ص ۱۶۷)؛ محمد بن احمد الجعفی که آثار زیادی در فقه بر جای گذاشته (ج ۲، فصل ۲، صص ۶۵-۶۶) نیز آثاری شامل خطبه‌های حضرت امیر (ع) تدوین کرده‌اند. افزون بر اینها ابوالحسن علی بن محمد المدائنی، مورخ مشهور (وفات: ۲۳۵ ه) که ارتباط با تشیع نداشت و آثار زیادی تألیف کرده است، نیز خطبه‌ها و مکتوباتی را که آن حضرت به عمالش نوشته بود نیز در کتابی گرد آورده است (ابن الندیم، الفهرست، چاپخانه رحمانیه، مصر، ۱۳۴۸، ص ۱۴۹). ابن الندیم همچنین اشاره می‌کند که هاشم و جلودی خطبه‌های حضرت امیر (ع) را گرد آورده‌اند (ص ۱۴۰، ۱۶۰). ابن الندیم به هنگام صحبت از این کتابها بدو از علی بن ابی طالب (ع) یاد می‌کند. (ص ۱۸۱)

در اغلب کتابهای تاریخ، سیره، مغازی و انساب به غزوات جمل، صفین و نهروان حضرت علی اشاره می‌شود و به هنگام یاد از شهادت آن حضرت بعضاً سخنان او نیز نقل می‌شود. مضافاً مورخان چون یعقوبی، طبری و سایرین در آثار خود استشاداتی با توسل به سخنان حضرت امیر (ع) آورده‌اند. مسعودی (وفات: ۳۴۶ ه) به ۴۸۰ خطبه حضرت علی (ع) دست یافته است. در کافی محمد بن یعقوب کلینی و در کتاب سلیم بن خلیل، که از زمان حضرت علی (ع) تا زمان امام محمد باقر (ع) می‌زیسته، نیز سخنان حضرت امیر (ع) جای داده شده است. (برای آشنایی بیشتر با سلیم نک: تنقیح ج ۲، صص ۵۲-۵۵؛ ابن الندیم، فهرست، صص ۳۰۷-۳۰۸؛ برای آشنایی با کلینی نک: تنقیح، ج ۳، صص ۲۰۱-۲۰۲؛ محمد علی مدرس، ریحانه‌الادب، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۶۹ شمسی، ج ۳، صص ۳۷۹-۳۸۱)

ملاحظه می‌شود که سید رضی، به هنگام گردآوری خطبه‌ها و مکتوبات حضرت علی (ع) آثار زیادی را که پیش از وی تدوین شده بودند در دست داشت. معاصران وی نیز امکان داشته‌اند که اثر او را با این منابع مقایسه کنند. اعلم الهدی سید مرتضی (۴۳۶ هـ)، برادر شریف رضی، تعداد هشتاد هزار کتاب در کتابخانه خود داشت. مجموعه البلدان می‌نویسد که این کتابخانه همتایی در دنیا نداشت و همه کتابهای موجود در آن از نسخه‌های خطی علما تشکیل می‌یافته. (مصر ۱۳۲۳ هـ، ج ۲، ماده بین السورین، ص ۳۴۳)

در کتابخانه شاهپور که در بخش کرخ بغداد برای استفاده شیعیان احداث شده بود نیز تعداد زیادی کتاب وجود داشت. شکی نیست که کتابهای حاوی خطبه‌های حضرت امیر (ع) نیز در این کتابخانه‌ها جای گرفته بود. متأسفانه همه این آثار در آتش سوزی سال ۴۴۷ هجری سوختند و خاکستر شدند. خدمت سید رضی از این نظر حقیقتاً بسیار ارزشمند است. اگر او به تدوین نهج البلاغه دست نمی‌زد، شاید اکثر این خطبه‌ها و مکتوبات به دست ما نمی‌رسید.

تعدادی خطبه دیگر که در نهج البلاغه موجود نیست نیز به حضرت علی (ع) نسبت داده می‌شود؛ خطبه‌های اللؤلؤ الافتخار (که خطبه‌البیان باید باشد) و الوسيله از این خطبه‌ها هستند. ابن شهر آشوب (وفات: ۵۸۸ هـ) در مناقب خود از این خطبه‌ها سخن به میان آورده است. در دوره معاصر شیخ هادی از خاندان کاشف‌الغطاء به گردآوری و طبع خطبه‌هایی که در نهج البلاغه جای نگرفته‌اند، دست زده است (آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۷، تهران ۱۳۲۹، صص ۱۸۷ - ۱۹۳). بدون شک حضرت علی (ع) خطبه‌ها و مکتوباتی جز آنچه که در نهج البلاغه گرد آمده، نیز داشته است. سخنان کوتاه آن حضرت مندرج در غررالحکم عامدی به ۱۰۵۰ رسیده است. ولی در بعضی از خطبه‌ها چون «خطبه‌البیان» مطالب و مواردی جای گرفته است که فرصت لازم به آنانی که دنبال اغراق و غلو می‌گردند، می‌دهد؛ بدین سبب شک و تردیدی در خصوص تعلق این خطبه‌ها به حضرت امیر (ع) وجود دارد. (در این خصوص مفصلاً در الذریعه در صفحات یاد شده، اشاره گشته است)

شرحی که ابن ابی الحدید عبدالحمید (وفات: ۶۶۵ هـ) بر نهج البلاغه نوشته از نظر

تاریخی حائز ارزش و اهمیت است. و می‌گوید شکی نیست سخنانی که در نهج البلاغه آمده، از حضرت علی (ع) است و اکثر آنها از نظر تواتر به اثبات رسیده است و بقیه نیز که با همان ادا و شیوه بر زبان جاری شده مسلماً به آن حضرت تعلق دارد و اضافه می‌کند افرادی که با ادبیات آشنا هستند و ویژگیهای سبک را می‌شناسند، می‌توانند به آسانی شعر، خطبه و نوشته شاعران، خطیبان و منشیان را بفهمند و آنها را از هم جدا کنند؛ مثلاً شک نخواهند کرد که کتاب التاج از آن جاحظ است. (برای آشنایی بیشتر با سرگذشت نامه و آثار ابن ابی الحدید نک: ریحانه‌الادب، ج ۵، صص ۲۱۶-۲۱۷)

وقتی شک و تردید نسبت به تدوین نهج البلاغه از سوی سید رضی یعنی تعلق خطبه‌ها و سخنان مضبوط در این کتاب به سید رضی با ابن هشام عبدالله (وفات: ۵۶۷ هـ) از علمای مبرز دوره خود در نحو، لغت، شعر، تفسیر، حدیث، فقه، انساب، قرائت، حتی حساب، هندسه و حکمت در میان گذاشته شد، اظهار داشت که سید رضی یا هر کس دیگر نمی‌تواند صاحب چنین قدرتی باشد و افزود: ما رسالات سید رضی را دیده‌ایم و با سبک نثر نیز آشنا هستیم. وی گفت: ابن ابی الحدید از استاد خود مصدق بن شیبی روایت می‌کند که خطبه شقشقیه را در کتابهایی که دویست سال پیش از تولد سید رضی تدوین شده‌اند، دیده‌اند. (ریحانه‌الادب، ج ۵، صص ۲۰۸-۲۱۶)

عده‌ای بدون اینکه دلیلی در دست داشته باشند، مدعی شده‌اند که این سخنان بعداً ساخته شده‌اند و حتی گفته‌اند که حفظ و تحریر این همه خطبه از سوی سید رضی پس از حدود چهار صد سال نمی‌تواند امکان داشته باشد. این گونه ادعاها از جهالتی که در خصوص ویژگیهای اعراب دارند، نشئت می‌گیرد. مورخان عرب سخنان خطیبانی چون حجاج، و صهبان و خطبه‌های خلفا و امرایی چون عبدالله معتصم و زید را نقل کرده‌اند که همه اینها در کتابهای تاریخ درج شده است. اشعار شعرای دوره جاهلیت از سوی راویان دیده شده، حفظ گشته و بر حسب روایات آنان معرفی شده است. در جوامعی که از نعمت سواد بی‌بهره هستند حفاظ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. افزون بر آن عرب عاشق فصاحت و بلاغت است و حفظ اشعار فصیح و بلیغ نزد اعراب یک سنت است. مشهور است وقتی از عبدالحمید کاتب، که در سال ۱۳۲ هـ از سوی مروان، آخرین خلیفه اموی، کشته شد، پرسیدند که این بلاغت را چگونه به دست آورده است جواب

داد: هفتاد خطبه از خطبه‌های حضرت علی (ع) را حفظ کردم و بلاغت را از آنها آموختم. در مورد عبدالحمید گفته‌اند که «کتابت با عبدالحمید آغاز شد با ابن العمید تکامل یافت.» در حالی که خطابه و خطبه‌های افراد زیادی حفظ می‌شد، نقل می‌گشت و به تحریر درآمد، امکان نداشت که خطابه و خطبه‌های شخصیتی چون امیرالمؤمنین (ع)، که همتایی در فصاحت و بلاغت نداشت و صاحب موقعیتی ممتاز در اسلام بود، حفظ نشود، نقل نگردد و به تحریر درنیاید. پیش از این اشاره کردیم که از دوره آن حضرت تا دوره سید رضی خطبه‌ها، مکتوبات و سخنان علی (ع) ضبط می‌شد.

عده‌ای هم با توجه به مقولات «ازل، ازلیت، معلول» مندرج در نهج البلاغه، که در آن دوره مورد استعمال نداشتند و بیشتر جنبه فلسفی بر آنها مترتب است، مدعی شده‌اند که این خطبه‌ها نمی‌تواند متعلق به حضرت امیر (ع) باشد و یا حداقل بعداً تعلیقاتی بر خطبه‌های حضرت علی (ع) افزوده شده است. در صورتی که «ازل»، به قول صاحبان صحاح، اساس اللغه، لسان العرب، از «لم یزل» مشتق شده است و «لم» به مرور زمان انداخته شده و «ازل» مورد استعمال پیدا کرده است. در مورد کلماتی که جنبه فلسفی دارند باید گفت که علم حضرت علی (ع) از خواجه کائنات است. علی باب علم اوست و به فرمان خدا از «شدید القوا» تعلم کرده است (سوره آیه ۵). بنابراین او یک مربی عالم و یک خواجه کل است که به اصل و اساس توحید، خلقت و امور دنیوی دست یافته، دلایل و نتایج آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. همان‌گونه که مولانا می‌گوید:

پای استدلالیان چوبین بود پای^۱ چوبین سخت بی تمکین بود
علم حضرت علی (ع) نه استدلالی که یقینی بود. او و علم او را از زبان مولانا می‌شنویم:

از علی آموز اخلاص عمل	شیر حق را دان منزله از دغل
چون تو بایی آن مدینه علم را	چون شعاعی آفتاب حلم را
باز باش ای باب رحمت تا ابد	بارگاه ماله کفواً احد
در شجاعت شیر ربانیستی	در مروت خود که داند کیستی

۱. نویسنده در مصراع دوم به جای پای چوبین، راه چوبین گذارده که نمی‌تواند مفهوم و فصایی داشته باشد. - مترجم.

(مثنوی، طبع نیکلسون، ج ۱، صص ۲۲۹ - ۲۳۱)

از این نظر فلاسفه نیازمند او هستند و او احتیاجی به آنان ندارد.

در این مجال ضرورت اشارت به موارد زیر نیز پیش می‌آید:

خطبه‌ها در بعضی از نسخه‌های نهج البلاغه به صورت اختصار نوشته شده‌اند و مستنسخ بر اساس احتیاج، ذوق و میل خود از نقل پاره‌ای جملات خودداری کرده است. از این رو در نسخه‌های متعدد یک کتاب با این گونه کاستی‌ها و فزونی‌ها پیوسته روبه‌رو می‌شویم. این فزونی‌ها بعداً به کتاب افزوده نشده‌اند، بلکه نشان می‌دهد که کاتب از ضبط بعضی جملات خودداری کرده است. مثلاً نسخه چاپی «شقایق نعمانیه» در مقایسه با نسخه خطی این اثر، که در بخش مخطوطات ترکی کتابخانه دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود، کاستی‌های فراوانی دارد. ضمناً در سخنانی که حفظ می‌شود، ممکن است حافظ نه معنای پاره‌ای از کلمات را عوض کند و نویسندگان نیز بعضی از کلمات را با عصر و زمان خود تطبیق بدهند و کلمه جدیدی در جای واژه اصلی قرار دهند. غزلها و رباعی‌هایی که مولانا در اثنای سماع ارتجالاً می‌سرود، به انواع مختلف درج شده‌اند. ابیات مشابه در چند شعر هم‌وزن و هم‌قافیه جای گرفته‌اند و ابیاتی که در یک شعر دیده نمی‌شوند، در شعری دیگر به چشم می‌خورند؛ ولی تغییری در معنای اصلی حاصل نمی‌شود. بعضی از واژه‌های اشعار یونس امره در چاپهای اخیر دیوان وی بدون اینکه آسیبی بر وزن وارد شود، بر اساس تلفظ زمان عوض شده‌اند؛ مثلاً جای واژه «ayittim» (بیدار کردی) کلمه «buyurdun» (فرمودی) نشسته است.

ولی چون مثنوی را حسام‌الدین چلبی نوشته و خود مولانا پس از تحریر آن را مطالعه کرده و به اصطلاحاتی دست زده است از این نوع تغییرات، به ویژه در نسخه‌های اقدم و اصح، خبری نیست. ناقلان احادیث با ذکر «حضرت پیامبر چنین فرمود یا در کلامی مشابه چنین فرمود» به نقل دست می‌زنند. در روایات منقول از صحابه جز آنهایی که اجازه تحریر حدیث داشته‌اند، حدیث حاوی موضوع و معنای مشابه با روایتهای متفاوت از نظر واژه دستکاری شده‌اند.

خود سید رضی نیز در مقدمه‌ای که نوشته بر این نکته اشاره کرده است. ولی در قرآن کریم، به استثنای ویژگیهای قرائت، از این اختلافات به چشم نمی‌خورد و قرآن، کتاب الهی، تنها کتابی است که کلمه‌ای زائد یا ناقص در آن وجود ندارد.

بعضی از خطبه‌ها، وصایا، وجیزه‌های نهج البلاغه به طور مجزا شرح و تفسیر شده‌اند. خطبه الشقشقیه شانزده ترجمه و شرح دارد (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، صص ۹۹-۱۰۰، ۳۸۴، طبع تهران ۱۳۲۰-۱۳۲۲؛ ج ۷، صص ۲۰۳-۲۰۴، طبع ۱۳۲۹؛ ج ۱۲، صص ۲۱۴-۲۱۵، طبع نجف ۱۳۷۸؛ ج ۱۴ صص ۱۱۷-۱۱۸، ۱۳۰، ۱۴۱-۱۴۲، طبع نجف ۱۳۸۱؛ خطبه‌های تاریخی، تألیف عبدالباقی گولپینارلی.

وصایای امام حسن (ع) همراه با متن اصلی و دو وصیت دیگر در سال ۱۳۲۹ در استانبول به فارسی منتشر شد؛ این اثر باز به فارسی تحت عنوان هدیه الامم در سال ۱۳۸۱ در نجف اشرف، در سال ۱۹۶۱ تحت عناوین منشورالادب الهی و دستورالعملی کارگاهی، کتاب الاخلاق النفیسه فی شرح خطبه الوصیه و نظم الوصیه در ایران به طبع رسید. این وصیت‌نامه بجز ترجمه ترکی شش شرح دارد. ابوجعفر محمد بن یعقوبی کلینی نیز به نقل این وصیت‌نامه دست زده است. (همان اثر، ج ۱۰، چاپخانه مجلس، ۱۳۷۵ هـ، ص ۲۳۹؛ ج ۱۳، ص ۱۴۶؛ ج ۱۴، ص ۱۲۲، ۱۲۹؛ گولپینارلی، نهج البلاغه، فصل دوم، خطابه‌های بعد از جنگ)

«عهدنامه» خطاب به مالک اشتر با عناوینی چون «آداب الملوک»، «تحفه الملوک»، «تحفه سلیمانی»، «دستور حکمت»، «عنوان الریاسه»، «الراعی و الراعیه»، «شرح العهد»، «نصایح الملوک»، «نظم العهد»، «هدایه الحسام فی عجایب الهدایه و الحکام»، «تحفه الولی»، «ترجمه العهد» (در دو جزء)، «شرح عهدنامه»، «اساس السیاسه فی تفسیر الریاسه»، «دراسه النهج»، «رموز الاماره» شرح و تفسیر شده است. تعداد این شروح بیش از بیست است. (ج ۴، ص ۱۱۹؛ ج ۱۴ صص ۱۴۴-۱۴۸ و ۱۵۸. گولپینارلی، فصل سوم؛ مکتوبات اداری، امیرنامه و عهدنامه، ۲۱)

برای خطبه حمام و خطبه‌های اعتقادی و معتقدیه پانزده شرح نوشته شده است (ج ۱۳، صص ۲۲۵-۲۲۶؛ ج ۱۴، صص ۱۱۴-۱۱۵، ۱۲۲-۱۲۴، ۱۳۳، ۱۴۵. یکی از اینها به زبان کجراتی است. گولپینارلی، فصل چهارم، خطبه‌های اجتماعی - اقتصادی، ۲۷). خطبه قاصعه (گولپینارلی، خطبه ۲۶ همان فصل)، خطبه استسقاء، خطبه معرفت آغاز دینی یعنی خطبه شناخت خدا (گولپینارلی، خطبه اول در جزء اول، فصل اول)، کلام حضرت علی (ع) در دفن حضرت فاطمه، علیها سلام (جزء پنجم، خطبه‌های

تاریخی، فصل چهارم) و بعضی خطابه‌ها نیز به طور جداگانه شرح و تفسیر شده‌اند. (الذریعه، ج ۱۳، ص ۱۴۴، ۲۰۹؛ ج ۱۴، ص ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۳۳ - ۱۳۴) به پاره‌ای از این شروح عناوین دیگری داده شده است.

تعداد شروح نهج البلاغه بطور کامل، مجمل، شرح واژه‌های به کار رفته در آن یا شروحي که به شکل تعلیق نوشته شده‌اند بیش از هفتاد است. افزون بر آن چهل شرح به زبان اردو و یک شرح به زبان کجراتی نیز نوشته شده است. (همان اثر، صص ۱۱۱ - ۱۶۱)

وجیزه‌ها و سخنان کوتاه حضرت امیر از سوی جاحظ (وفات: ۲۲۵ هـ) تحت عنوان مائه کلمه گردآوری شده است. این اثر از سوی عادل، از شعرای عهد صفوی، و بار دوم از سوی محمد بن ابی طالب استرآبادی، از رجال همان دوره، به فارسی برگردانده شده است. اثر عادل در سال ۱۳۰۴ در تهران چاپ و منتشر شده است.

ابوعلی الطبرسی یا علی بن سید فضل‌الله راوندی (وفات: ۵۷۳ هـ) صد کلمه را بر اساس حروف به سی باب تقسیم کرده و اثر را نثر اللثالی نامیده است. این کتاب در سال ۱۳۱۲ به طبع رسید. شیخ عبدالسلام احمد، از رجال قرن ۱۴ هـ، در کتاب خود مراق النجابه فی قواعد الکتابه، سخنان مضبوط در نثر اللثالی، را جای داده است.

رشیدالدین محمد بن محمد الوطواط (وفات: سال ۵۵۲ هـ) همان‌گونه که سخنان سه خلیفه اول را در کتابی تحت عناوین تحفه الصدیق، فصل الخطاب، عنصر اللفهان گردآوری کرده، سخنان حضرت علی (ع) را نیز در کتابی با عنوان مطلوب کل طالب جمع کرده و هر سخن را در یک قطعه فارسی ترجمه کرده است.

بجز اینها و سخنان کوتاه حضرت علی (ع) که سید رضی در پایان نهج البلاغه آورده، ده شرح و ترجمه سخنان کوتاه حضرت امیر به زبانهای فارسی و عربی و حتی فرانسوی نیز وجود دارد (نک: به مقدمه‌ای که میر جلال‌الدین حسینی الارموی بر غررالحکم جمال‌الدین محمد خونساری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ شمسی، نوشته است).

ناصرالدین عبدالواحد بن محمد تمیمی عامدی سخنان کوتاه حضرت علی (ع) را در کتاب «غررالحکم و دررالکلم» گرد آورده است. ابن شهر آشوب، که در اواخر سال ۱۱۹۲ میلادی (۱۰ روز مانده به پایان سال ۵۸۸ هـ) درگذشته، عامدی را از استادان خود معرفی

می‌کرد و ضمن نقل و روایت غرالحکم خاطرنشان می‌کرده که از او اجازت گرفته است، روایات مربوط به فوت عامدی در سال ۵۱۰ هجری باید مورد قبول قرار گیرد. (ریحانه‌الادب، ج ۱، چاپ دوم، چاپخانه شرکت سهامی، ۱۳۳۵، ص ۲۸)
عامدی در غرالحکم ۱۱۰۵۰ سخن حضرت امیر(ع) را جمع‌آوری کرده. (ج ۶، چاپ ۱۳۴۲، ص ۴۹۳)

ساوجی‌زاده (وفات: ۷۳۸ ه) نثر اللثالی را در کتابی با عنوان بدره المعالی فی ترجمه اللثالی ترجمه کرده و هر کدام از سخنان حضرت علی (ع) را در وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» به یک بیت فارسی به نظم کشیده است. سپاهی‌زاده علی غالب هر کدام از ابیات فارسی این کتاب را با یک بیت به ترکی برگردانده است. این کتاب به خط نخجوان‌زاده محمد در سال ۱۳۱۵ هجری در مطبعه عثمانیه به طریق چاپ سنگی به طبع رسیده است. به نظر ما احتمال ندارد که این سپاهی‌زاده همان ساوجی‌زاده باشد.

لطیفی عبداللطیف (وفات: ۹۹۰ ه) که در تذکره خود اطلاعات ارزشمند در حق شاعرانی که از قرن هفتم تا زمان وی زیسته‌اند، داده است نیز نثر اللثالی را با عنوان نظم الجواهر به صورت منظوم به ترکی برگردانده است (مؤلفان عثمانی، ج ۳، ص ۱۲۵). فتحی علی عثمان‌زاده، از اهالی روسچوک، چهل کلام حضرت علی (ع) را انتخاب کرده و با عنوان ترجمه کلام اربعین علی به زبان ترکی ترجمه کرده است. وی که منسوب به قوش آدالی ابراهیم، از شاخه شعبانیه طریقت خلوتیه بوده، در سال ۱۲۷۴ ه درگذشته است. (همان اثر، ج ۱، ص ۳۹۵)

خالص محمد نیز که مستشار خزینه خاصه بوده و کتابخانه‌اش بخشی از کتابخانه دانشگاه استانبول را تشکیل می‌دهد، به گزینه‌ای از غرالحکم دست زده و آن را در ۵۲ صفحه به شکل چاپ سنگی به طبع رسانده است.

نصیب یوسف دده (وفات: ۱۱۲۶ ه) از شیوخ مولویخانه ینی‌قاپی با تحلیل واژه‌ها به ترجمه و شرح نثر اللثالی به ترکی دست زده و با عنوان رشته جواهر که به این اثر داده، تاریخ ترجمه را نیز معین کرده است (۱۱۲۱ ه). نصیب دده ابیاتی از مثنوی و اشعار فارسی و عربی به اثر خود افزوده و نثر اللثالی را به شکلی متفاوت درآورده است. رشته جواهر در سال ۱۲۵۷ ه در استانبول در مطبعه تقویم وقایع چاپ شده است.

مصطفی وهبی، از اعضای دایره علمیه مجلس کبیر معارف (مؤلفان عثمانی، ج ۲، صص ۱۹ - ۲۰) سخنان کوتاه حضرت علی(ع) را با عنوان محصول عالی فی شرح کلمات علی(ع) به زبان ترکی شرح و ترجمه کرده و ویژگیهای دستوری هر واژه را بررسی نموده است. این اثر در سال ۱۲۸۸ هـ در مطبعه عامره به طبع رسیده است.

علی حیدر قاضی، از قضات محکمه شرعیه مغنيسا (وفات: ۱۳۳۳ هـ) (مؤلفان عثمانی، ج ۱، ص ۲۱۷)، به شرح و ترجمه بدره المعالی فی ترجمه اللثالی دست زده و آن را در ۱۵ شعبان ۱۲۹۸ هـ با عنوان مراد الحکم به صورت چاپ سنگی به طبع رسانده است. وی صد کلمه حضرت علی(ع) را نیز به دستور ابراهیم فخرالدین چلبی (وفات: ۱۳۰۵ هـ)، شیخ مولویخانه مغنيسا، در ۱۸ شعبان ۱۲۹۷ هـ شرح کرده و آن را دو بار به خط محمدظاهر مغنيسایی با سنگ چاپی به طبع رسانده است. طبع این اثر در غره محرم ۱۲۹۹ هـ صورت گرفت.

حوجازاده جودت، معلم زبان و بلاغت عثمانی، فارسی و عروض و عقاید در مکتب برهان ترقی استانبول در کتابی که در آن اشاره کرده است اثری تحت عنوان کلیات امام علی(ع)، ترجمه صد کلمه عبدالله هروری منتشر خواهد شد و در پایان آن شش کتاب حاوی صد کلمه، نثر اللثالی، دیوان، مکتوبات، جمل و لطائف، جای خواهد گرفت به شرح بیست و هفت وجیزه به فارسی در وزن «فاعلاتن مفاعیلن فعلات» و به ترکی در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلات» دست زده است. ولی اطلاعی در دست نیست که عبدالله هروری چنین کتابی داشته است. این اثر به جامی نسبت داده می شود و با تصحیح جمالی نامی و با حروف جدید مصطفی عزت به چاپ رسیده است. (برای صد کلمه جامی رجوع کنید به الذریعه، طبع ۱۳۸۴ هجری، ج ۱۵، ص ۳۰)

مرحوم معلم ناجی (وفات: ۱۳۱۰ هـ) نیز در کتاب امثال علی، که در سال ۱۳۰۳ هـ در مطبعه ابوالضیاء استانبول چاپ شده، به ترجمه ۲۸۳ کلمه حضرت علی(ع) دست زده است. محمد جمال الدین به ترجمه عهدنامه های حضرت علی(ع) خطاب به مالک اشتر (متن در حاشیه راست، و ترجمه در حاشیه چپ) متوسل شده که تحت عنوان شرح عهدنامه علی در سال ۱۳۰۴ هـ در مطبعه شرکت مرتبیه چاپ شده است.

سید احمد مختار (وفات: ۱۳۵۲ هـ) بن سید عبدالقادر بلخی (وفات: ۱۳۴۱ هـ) در

کتاب ۱۹۲ صفحه‌ای با عنوان خاندان سید البشر ائمه اثنا عشر، که در آن سرگذشت‌نامه حضرت امیر (ع) جای گرفته است، نیز به بعضی از کلمات و خطبه‌های حضرت علی (ع) دست زده و در پایان کتاب به شرح و ترجمه «عهدنامه» پرداخته است. همان‌گونه که از عنوان این کتاب نیز مستفاد می‌شود، مؤلف در نظر داشت سرگذشت دوازده امام را در اثر خود جای دهد؛ متأسفانه مجلدات دیگر این اثر جز جلد اول تدوین نشد و این جلد در سال ۱۳۲۷ هجری در مطبعه احمد ساقی بیگ (استانبول) به طبع رسید.

محمد عاکف ارسوی (وفات: ۱۹۳۶ م) «عهدنامه» حضرت علی (ع) را به زبان ترکی برگردانده است. سومین طبع این اثر در سال ۱۹۵۹ از سوی سازمان امور دیانت در آنکارا در مطبعه آی ییلدیز صورت گرفت. چاپ بعدی این کتاب در سال ۱۹۶۳ از سوی انتشارات «دوغان گونش» به انجام رسید.

در میان نسخه‌های خطی کتابخانه موزه مولانا (قونیه) ترجمه بسیار منقحی از کتاب صد کلمه چهار یار گزین اثر رشیدالدین وطواط به زبان ترکی تحت شماره ۶۵۰ مضبوط است. به سبب اینکه در آغاز کتاب به احادیث نبوی جای داده شده، در فهرست با عنوان احادیث نبی و صد کلمه چهار یار گزین نامیده شده است. انجام این کتاب ناقص است و کتیبه‌ای دارد که نشان می‌دهد بدرالدین همت یار المولوی در رمضان ۸۳۸ هجری آن را نوشته است. در ورق ۱۹۳ الف پس از اتمام ترجمه صد کلمه خلیفه سوم، کتاب مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب شروع می‌شود (برای آشنایی بیشتر با این کتاب، که به ویژه از نظر زبان‌شناسی ارزشمند است، به جلد اول فهرست نسخه‌های خطی موزه مولانا، که از سوی اداره کل آثار باستانی و موزه‌های وابسته به وزارت آموزش ملی در چاپخانه بنیاد ترک چاپ شده است، رجوع کنید).

خود ما نیز در دهه ۱۹۴۰ تعداد ۵۴ خطبه و خطابه حاوی سرگذشت حضرت علی (ع) از تولد تا شهادت، ۱۷ فرمان، مکتوب و وصیت‌نامه که یکی خطاب به امام حسن و دیگری خطاب به مالک اشتر (عهدنامه) است، ۴۴ کلام حکمت‌بار و ۴۸ شعر از دیوان حضرت امیر (ع) را به زبان ترکی برگرداندیم. نسخه‌های این کتاب، که از سوی انتشارات امک (آنکارا) و بدون قید تاریخ چاپ شده، نایاب است.

در سال ۱۹۵۶ کتابی در ۲۶ صفحه با عنوان مکتوبات حضرت علی (ع) و معاویه که

ک. بوراک مقدمه‌ای بر آن نوشته و در مطبعه اژه چاپ شده بود، به دست ما افتاد. این کتاب که از سوی شخصی به نام گوزک‌زاده حافظ حسن از عربی به زبان ترکی ترجمه شده بود، علاوه بر نامه‌ای که حضرت امیر(ع) توسط تیرماه بن عدیه به معاویه ارسال کرده بود، صحبت این دو را نیز در بر داشت. این کتاب سراپا افسانه است و نویسنده و مترجمش خبری از نهج البلاغه ندارند و حتی اسامی خاص در آن اشتباه نوشته شده است؛ از اینکه مجبور شدم نامی از این کتاب که به نام حضرت علی(ع) نوشته شده است به میان آوردم، عذر می‌خواهم.

پس از اشاره به این آثار که در مورد خطبه‌ها و کلام حضرت علی(ع) به زبان ترکی نوشته شده‌اند، وقت آن رسیده است که نحوه تدوین کتاب حاضر را برای خوانندگان خود توضیح بدهم:

سید رضی، همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره کردم، نهج البلاغه را به دو فصل و سه جزء تقسیم کرده، در فصل اول خطبه‌ها، در جزء اول فصل دوم مکتوبات و در جزء دوم این فصل وجیزه‌ها را جای داده است. ما نیز همان روش را دنبال کردیم؛ ولی در داخل فصل‌ها به قدر امکان ویژگی موضوع و ترتیب تاریخی را رعایت نمودیم. آخرین چاپ شرحی را که شیخ محمد عبده بر نهج البلاغه نوشته و سال گذشته در بیروت از طرف مؤسسه الاعلمیه للمطبوعات چاپ و منتشر شده است در ترجمه اساس اتخاذ کردیم. این کتاب چهار فصل دارد. در دو فصل اول از خطبه‌ها و سخنانی که حضرت در موارد مختلف به زبان آورده‌اند، سخن به میان آمده است؛ فصل سوم حاوی مکتوبات است و آخرین فصل حکم وجیزه‌ها را در بر می‌گیرد. بر اساس ترتیبی که اتخاذ کرده‌ایم، به منظور دسترسی به اصل خطبه و خطابه و مکتوب، نخستین جمله عربی را همراه با شماره جلد و صفحه در آغاز ضبط کردیم. ولی در آخرین فصل احتیاجی به این عمل احساس نشد. اگر جمله عربی را در این فصل درج نموده، شماره‌گذاری می‌کردیم، کتاب هم از نظر ترتیب و هم از نظر چاپ بسیار پیچیده می‌شد.

ترجمه ما حاوی سه فصل است: فصل اول را به خطبه‌ها و فصل دوم را به مکتوبات و آخرین فصل را به حکم و وجیزه‌ها اختصاص دادیم. فصل اول شامل پنج جزء است: در جزء اول خطبه‌ها و خطابه‌هایی را قرار دادیم که در آنها از «الله، حضرت محمد(ص)، ایمان، اسلام و قرآن مجید سخن رفته است. جزء دوم شامل آن عده از خطبه‌ها و

خطابه‌هاست که در آنها از «حضرت علی (ع) و اهل بیت» سخن به میان آمده است. در جزء سوم خطبه‌ها و خطابه‌های مربوط به «دنیا، آخرت» و در جزء چهارم خطبه‌ها و خطابه‌های اجتماعی - اقتصادی جای گرفته‌اند. آخرین جزء حاوی آن عده از خطبه‌هاست که متعلق به دوره سه خلیفه اول و دوران خود حضرت علی (ع) است و تاریخ را روشن می‌سازند. فصل اول شامل ۱۹۲ خطبه است.

در فصل دوم مکتوبات، فرمانها و وصایای حضرت جای داده شده است. این فصل که در آن نیز ترتیب تاریخی رعایت شده، چهار جزء دارد: جزء اول شامل آن عده از خطابه‌هاست که پیش از جنگ جمل و بعد از آن بر زبان حضرت جاری شده‌اند. جزء دوم حاوی مکتوباتی است که به معاویه فرستاده شده‌اند. جزء سوم به وصایا و خطابه‌های حضرت به هنگام شرکت در جنگها اختصاص یافته است. آخرین جزء این فصل حاوی مکتوبات و عهدنامه‌هاست. در این فصل ۶۳ خطابه، مکتوب، فرمان و وصیت‌نامه جای داده شده است.

در فصل سوم کلمات قصار، حکم و وجیزه‌ها را گذاشتیم و سعی کردیم که ترتیب موضوعی باز مورد توجه قرار گیرد. این فصل شامل هفت جزء است. جزء اول با «دین، ایمان، مؤمن، مسلمان، قرآن و عبادت»، جزء دوم با «حضرت محمد(ص) خود حضرت علی(ع) و اهل بیت»، جزء سوم با «دنیا، آخرت»، جزء چهارم با «عقل، دانایی»، و جزء پنجم با «موضوعات متفرقه»، جزء ششم با «موضوعات تاریخی» و جزء هفتم با «حقیقت، عدالت، حیات، انسانیت و جنگ» ارتباط دارند. در پایان هر جزء این فصل کلمات قصاری را که در نهج البلاغه دیده نمی‌شوند و در غررالحکم ضبط شده‌اند، جای دادیم و به انتخاب ۳۲۵ کلمه قصار دست زدیم. بدین ترتیب تعداد خطبه‌ها به ۱۹۲، تعداد مکتوبات، فرامین و وصایا، به ۶۳ و تعداد مباحث و وجیزه‌ها به ۳۲۵ رسید و جمع کل به ۵۸۰ بالغ گشت.

علاوه باید کرد که این ترتیب و طبقه‌بندی بر اساس ویژگیهای برتر موجود در سخنان حضرت است. به عنوان مثال در خطبه‌ای که از ایمان و قرآن بحث می‌کند، یا در خطبه‌ای که دنیا و آخرت در آن مورد بحث واقع شده است، یا در خطبه‌ای که از حضرت محمد(ص) اهل بیت یا مسائل اجتماعی - اقتصادی سخن به میان آمده است، یک حادثه تاریخی یا اسلام نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. دوباره تکرار می‌کنم که ترتیب انتخاب شده بر اساس ویژگیهای برتر است و الاً تداخل همواره موجود است.

اگر در خطبه‌ها، خطابه‌ها، مکتوبات، فرامین و وصایا حتی وجیزه‌ها به آیه، حدیث یا حادثه‌ای اشاره شده باشد یا در مورد خطاب کسی باشد، یا از کسی سخن به میان آمده باشد، آن خطبه و خطابه با شماره‌هایی که زیر آن کلام گذارده شده، آن آیه و حدیث، حادثه یا سرگذشت‌نامه یا توضیحات لازم داده شده و منبع آن نیز ذکر گردیده است؛ بدین جهت اثر ماهیت یک شرح ممتع را به خود گرفته است.

تعداد خطبه‌ها و خطابه‌هایی که شیخ رضی گردآوری کرده به ۲۳۳ بالغ می‌گردد، تعدادی از اینها از روایات مختلف به میان آمده است و تعدادی دیگر حاوی ادعیه حضرت امیر(ع)، سخنانی که بعد از خواندن یک آیه و سوره بر زبان می‌آوردند، دعای باران، و تشویق اصحاب به مکارم اخلاق، عبادت و اطاعت یا حکمت و قدرتهای آفرینش هستند و اغلب همدیگر را تکمیل می‌کنند. آنچه در یک خطبه ذکر شده، در خطبه‌ای دیگر به شکلی دیگر تکرار می‌شود. ما به ترجمه و شرح ۱۹۲ خطبه اکتفا کردیم که جوهر خطبه‌های حضرت امیر(ع) را در آنها یافته‌ایم.

در فصل دوم سید رضی ۷۶ مکتوب، وصیت و کلمه وجود دارد. بخشی از آنها در روایات دیگر جای گرفته است، ما آخرین وصایای مندرج در جزء دوم را در جزء اول قرار دادیم. در این جزء ۷۲ خطابه، مکتوب، فرمان و وصیت جای گرفته است و بدین ترتیب اثر، چیزی ناقص ندارد.

کلمات و وجیزه‌های جزء سوم نیز که از غرالحکم انتخاب کرده‌ایم، چیزی کم ندارد. به سبب اینکه در شرحها و در «کتابشناسی» به ذکر منابع دست زده‌ایم، به ذکر مطلب در این مورد لزومی نمی‌بینیم.

به جهت اینکه اولین بار توفیق ترجمه نهج‌البلاغه به زبان ترکی نصیب ما شده است حمد و ثنای خود را تقدیم پیشگاه حضرت احدیت می‌کنیم که ما را بدین امر موفق کرد. با اهدای سلام و تحیت به پیشگاه رسول خدا و اهل بیت او، به سخن خود خاتمه می‌دهیم.

عبدالباقی گولپینارلی

۲ صفر المظفر ۱۳۹۹